

پیشگامان نظام نوین آموزشی در بجنورد (از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی)

مهین صدقی قره چشمه^۱

رجبعلی وثوقی مطلق^۲

امیر اکبری^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۳/۱۶

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۲۲

چکیده

نهاد آموزش و پرورش از مهم ترین نهادهای سازنده هر تمدن است. با توجه به تحولات نوین فرهنگی و آموزشی در ایران، تعدادی از مشاهیر و بزرگان در جهت تأسیس مدارس نوین گام برداشتند. آموزش و پرورش شهرستان بجنورد نیز بیش از یک قرن سابقه دارد. هدف از پژوهش حاضر، بررسی پیشگامان نظام نوین آموزشی در بجنورد از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی (۱۲۸۵ ش الی ۱۳۵۷ هـ ش) می باشد، که از روش تحقیق تاریخی - توصیفی - تحلیلی استفاده شده است. روش گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه ای و اسنادی بوده است. یافته های پژوهش حاکی از آن است که، مدارس جدید از جمله: مدارس شجاعیه توسط سردار منتصر حبیب الله خان شجاع الممالک، به سبک نوین در بجنورد تأسیس شد. اولین آموزشگاه به نام همت در سال ۱۲۸۵ هـ ش با تلاش شخصیت های معارف پرور همچون ولی اله دانش، دکتر اسماعیل خان نیرالحکماء (سامی) و محمدحسین و داد تأسیس و فعالیت آن آغاز شد. بعد از شهرپور ۱۳۲۰ تعداد مدارس شهرستان بجنورد افزایش یافت. آموزش و پرورش تا سال ۱۳۵۲ دارای مشکلاتی از جمله: مشکل فضای آموزشی و تأمین کادر آموزش و پرورش بود. در دوره پهلوی دوم نیز از سال ۱۳۵۰ تعداد آموزشگاه های راهنمایی گسترش یافت، اما کمبود فضای آموزشی کاملاً مشهود بود.

کلید واژه ها: پیشگامان نظام نوین آموزشی؛ بجنورد؛ انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی؛ قاجار؛ پهلوی اول و پهلوی دوم.

^۱ دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران. (mahinsedghi761@gmail.com)

^۲ استادیار گروه تاریخ، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران. (نویسنده مسئول). vosoghi@bojnourdiau.ac.ir

^۳ استادیار گروه تاریخ، واحد بجنورد، دانشگاه آزاد اسلامی، بجنورد، ایران. amir_akbari@bojnourdiau.ac.ir

مقدمه

تا قبل از تأسیس مدارس جدید، آموزش بیشتر به شکل مکتب خانه ای بود. آخوند یا ملا در منزل به آموزش نوشتن و خواندن می پرداخت. نظارت حکومتی بر این مکتب ها و مدرسه ها اعمال نمی شد. دانش آموزان در قبال تحصیل، شهریه سالانه (نقدی یا جنسی) به آخوند پرداخت می کردند. گاهی نیز از اوقاف مدرسه یا مسجد مقرری دریافت می - کردند (لمبتون، ۱۳۷۵، ص ۲۶۷).

اولین مدرسه نوین بجنورد مدرسه شجاعیه بوده، که در سال ۱۳۲۵ق/۱۹۰۷م به وسیله سردار منتصر حبیب اله شجاع الممالک از بزرگان بجنورد تأسیس شده است (قاسمی پویا، ۱۳۷۷، ص ۴۲۰؛ متولی حقیقی، ۱۳۸۴، ص ۳۴۲). عده ای از مردم بجنورد دبستان ملی همت را اولین دبستان نوین بجنورد می دانند. افرادی همچون دکتر اسماعیل خان نیرالحکماء (سامی) از اطباء بجنورد و محمد حسین و داد بجنوردی، اولین نماینده منتخب مردم بجنورد در مجلس شورای ملی از بنیانگذاران دبستان همت بوده اند. ولی اله دانش معروف به حاج آخوند (متولی حقیقی، ۱۳۸۴، ص ۳۴۳) نیز مکتب خانه ای تأسیس کرد و سپس مدرسه جدیدی را تأسیس نمود. میرزا محمد وحدت نیز یکی از فرهنگ دوستانی بود، که توانست دبستانی به نام وحدت را تأسیس کند. حدود سال های ۱۳۱۲ و ۱۳۱۳ یک فقره آتش سوزی در اداره معارف بجنورد اتفاق افتاد که در جریان آن بسیاری از اسناد بایگانی در آتش سوختند (همان، ص ۳۴۸). تا سال ۱۳۱۸ تعداد مدارس حوزه بجنورد بسیار کم بود. بعد از شهریور ۱۳۲۰، تعداد مدارس شهرستان بجنورد افزایش یافت. در روستاهای بزرگ که فاقد مدرسه بودند مدارس تأسیس گردید. آموزش و پرورش بجنورد تا سال ۱۳۰۸ تحت عنوان نمایندگی معارف اداره می شد، اما در این سال به اداره شهرستان ارتقاء یافت. با تثبیت اوضاع سیاسی کشور شهر بجنورد نیز از رونق خاصی برخوردار شد، و بر تعداد جمعیت آن و تعداد دبستان ها و دبیرستان های این شهرستان افزوده شد. در سال ۱۳۵۴ دانشسرای مقدماتی دخترانه در این شهرستان دایر و با پیروزی انقلاب اسلامی منحل و با عنوان تربیت معلم احیا گردید (همان، ص ۳۵۲). علاوه بر مدارس دولتی در دو دهه آخر حکومت پهلوی، چندین مدرسه ملی نیز در بجنورد تأسیس شدند (همان، ص ۳۵۷). هدف اصلی پژوهش حاضر آشنایی با پیشگامان نظام نوین آموزشی در بجنورد از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی می باشد.

بنابراین مسئله اصلی در پژوهش حاضر این است که، ۱- اولین مدارس نوین آموزشی بجنورد در کدام دوره از تاریخ ایران و در چه سالی تأسیس شدند؟ ۲- پیشگامان مدارس نوین در بجنورد چه کسانی بودند؟ ۳- عکس العمل مکتب دار ها (نیروی سنتی) نسبت به تأسیس و توسعه آموزش و

پرورش نوین در بجنورد چگونه بوده است؟ فرضیاتی که بر اساس سؤالات پژوهش حاضر مطرح می گردد این است که: ۱- به نظر می رسد قبل از تأسیس مدارس نوین، در دوره قاجار مکتب خانه های مختلف و مدارس علمیه در شهرستان بجنورد وجود داشته است، و مدرسی نیز به سبک نوین به نام شجاعیه و همت فعالیت داشتند. ۲- به نظر می رسد پیشگامان مدارس نوین در بجنورد پنج نفر به نام های سردار معزز، دکتر اسمعیل خان، میرزا وحدت، غلامحسین و حاج محمد حسین وداد بجنوردی بودند. ۳- به نظر می رسد، مکتب دار ها به دلیل از دست دادن درآمد، با مدارس جدید مخالف بودند، و گاهی واکنش هایی نشان می دادند. نویسندہ سعی دارد، در این پژوهش با استفاده از روش تحقیق تاریخی و تحلیلی به سیر توسعه مؤسسه تمدنی آموزش و پرورش در بجنورد بپردازد. محدوده تحقیق، انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی (۱۲۸۵ق تا ۱۳۵۷ش) را شامل می شود. با بررسی های انجام شده جهت پیشینه تحقیق موضوع مورد نظر، در زمینه تاریخ آموزش و پرورش ایران کتاب های زیادی تألیف شده است. اما در مورد آموزش و پرورش خراسان اثر ارزشمند آقای دکتر یوسف متولی حقیقی با عنوان «تاریخچه آموزش و پرورش نوین خراسان از آغاز تا انقلاب اسلامی» مد نظر است، که بطور خاص و منسجم به تاریخچه آموزش و پرورش هفده شهر بزرگ استان های خراسان رضوی، شمالی و جنوبی پرداخته است. هم چنین توسط نویسندگان بومی نیز کتاب هایی به چاپ رسیده است، که در محتوای کتاب ها اشاراتی به مدارس نوین آموزشی در شهرستان بجنورد شده است. کتابی با عنوان «انقلاب اسلامی در بجنورد» توسط آقایان حسین پایدار و بیژن پروان نوشته شده است، که نویسندگان به شیوه های جدید آموزشی به جای آموزش سنتی و آموزش و پرورش در دوره پهلوی پرداخته اند. کتاب «تاریخ مشاهیر خراسان شمالی» تألیف ایرج آقایی و کتاب «دانشوران بجنورد» تألیف آقایان علی اکبر عباسیان و احسان سیدی زاده، و کتاب «سفرنامه های سهام الدوله بجنوردی» تألیف یارمحمدخان سهام الدوله و خاور بی بی شادلو از جمله تألیفاتی هستند که اشاراتی به موضوع آموزش و پرورش و مدارس نوین آموزشی داشته اند. منابع مربوط به موضوع پژوهش حاضر بسیار کم بوده، و بیشترین ارجاعات نویسندگان از طریق مصاحبه انجام پذیرفته است. بنابراین نویسندہ پژوهش حاضر با تکیه بر منابع و مآخذ محدود، و مصاحبه مؤلفین با بازماندگان بنیان مدارس نوین آموزشی به جمع آوری مطالب مورد نیاز پرداخته است.

روش تحقیق مورد استفاده در این پژوهش از نوع روش تحقیق تاریخی و تحلیلی است. در این پژوهش سعی شده است تا بر اساس توالی و ترتیب زمانی وقایع، به سازماندهی اطلاعات با تأکید بر

منابع اصلی و اسناد تاریخی پرداخته شود. شیوه انجام کار به صورت کتابخانه ای و اسنادی و نحوه جمع آوری اطلاعات به شیوه فیش برداری است.

شیوه های آموزش سنتی و نوین در شهرستان بجنورد

مرسوم ترین شیوه تحصیلات در بجنورد، شیوه آموزش مکتب خانه ای بود. در شهرستان بجنورد و روستاهای بزرگ آن آخوند یا ملا در خانه، به آموزش خواندن و نوشتن کودکان می پرداخت. در ایام گذشته دبستان به سبک امروزی برای تحصیل وجود نداشت، و دانش آموزان به منزل آخوند یا ملا رفته بر روی زمین، پلاس (فرش نخی)، یا نمد (فرش پشمی) می نشستند و درس می آموختند (پایدار و پروان، ۱۳۸۴، ص ۸۸). الزاماً همه آن ها هم درس نبودند، و مکتب دار روزی دو تا سه ساعت صرف درس دادن می کرد، و عصر هم درس را از اطفال پس می گرفت (مستوفی، ج ۱، ۱۳۶۷، ص ۲۱۹). محصلین کتاب مخصوص برای تحصیل نداشتند و آخوند، مقدمات تحصیل را با شناخت حروف القبا و قرآن مجید آغاز می کرد (پایدار و پروان، ۱۳۸۴، ص ۸۸). شاگردان فقط آیاتی را حفظ می کردند، و حتی برای آگاهی از معنای آن آیات تلاشی نمی شد، و از این امر غافل می ماندند و شاگردان به قول هانری رنه آلمانی: «آن چه باید به خاطر بسپارند عبارت است از آیاتی از قرآن که از معانی آن ها به کلی بی خبرند، و اغلب اوقات معلمانشان نیز از عهده ترجمه آن ها بر نمی آمدند (دالمانی، ۱۳۷۸، ص ۲۱۷). معمولاً هدف از تحصیل فراگرفتن خواندن و نوشتن و شناخت احکام اسلامی بود (پایدار و پروان، ۱۳۸۴، ص ۸۸). فقط تعدادی از فرزندان روحانیون برای تحصیلات تکمیلی راهی شهرهای مشهد و نجف می شدند (مستوفی، ج ۱، ۱۳۶۷، صص ۲۲۱-۲۲۰). دانش آموزان در قبال تحصیل، شهریه ی سالانه (نقدی یا جنسی) به آخوند می پرداختند. این مکتب خانه ها با سیاست های دولتی کاری نداشتند. دولت هم در برنامه ی مکتب خانه ها دخالتی نداشت (لمبتون، ۱۳۷۵، ص ۲۶۷).

در «سفرنامه سهام الدوله بجنوردی» نوشته شده است که، خاور بی بی شادلو معروف به حاجی بی بی خواهر یارمحمدخان سردار مفخم در سال ۱۲۶۰ق متولد شد. در کتاب «دانشوران بجنورد» سال ۱۲۶۲ ق/۱۲۲۲ش سال تولد ایشان ذکر شده است. خاور بی بی زنی با سواد و اهل مطالعه بوده و بیشتر اوقات خود را در کتابخانه خانوادگی می گذراند. مطالب کتاب «سفرنامه سهام الدوله بجنوردی» توسط خاور بی بی که حدود شصت سال سن داشته نگاشته شده است. در آن سفرنامه شرح مشاهدات و حوادث سفر بجنورد به تهران با دقت خاصی ثبت شده است. وی احتمالاً نزد معلم سرخانه (مستوفی، ج ۱، ۱۳۶۷، صص ۲۲۱-۲۲۰). که معمول آن زمان بود درس خوانده و چون سواد آموخت، از کتابخانه

های غنی اجداد و برادر خود یارمحمدخان سردار مفخم استفاده می کرد. وی علاوه بر کتب ادبی و دواوین شعرای ایران، بعضی از ادبیات اروپایی را که نمونه هایی از آنها ترجمه و چاپ شده بود از جمله سه تفتگذار و کنت مونت کریستو را مطالعه نموده بود. از متن سفرنامه معلوم می شود که خاور بی بی شادلو دارای اعتقادات مذهبی محکمی بوده است، و در طول سفر هر جا به امامزاده ای می رسیدند به زیارت می رفته است. وی در سال ۱۲۹۷ ش در سن حدود هفتاد و شش سالگی در بجنورد درگذشت) سهام الدوله بجنوردی و شادلو، ۱۳۷۴، صص ۲۱-۲۰؛ عباسیان و سیدی زاده، ۱۳۷۲، ص ۱۰۸). یکی از مدرسی که در دوره قاجار به یادگار مانده، مدرسه «سلطانیه» است که به همت یکی از بزرگان بجنورد به نام سید محمد حسینی بجنوردی معروف به «سلطان الواعظین» بنیان گذاشته شد. او شخصی به نام «حاج محمدخان» را به ساختن مسجد و مدرسه و حمامی در زمینی به مساحت ۳۰۰۰ متر تشویق کرد، و بدینسان مدرسه علمیه بجنورد در سال ۱۲۶۵هـ/ق ۱۲۲۴ خورشیدی بنا گردید، اما تمامی علوم در آن تدریس نمی شد (بازخانه ای، ۱۳۸۳، ص ۷۶). تأسیس مدرسه علمیه به عاملی برای جذب جوانان متدین و علاقه مند، به ادامه تحصیل و ارتباط با حوزه های مشهد و نجف تبدیل شد. جلسات منظم و هفتگی علمای بجنورد در مدرسه سلطانیه، و هم فکری آنان در امور حوزه و مسائل مربوط به روحانیت و امور جاری شهر و نحوه حل مشکلات، زیر بنای ساختمانی را پی افکند که در آینده نه چندان دور ثمرات خود را آشکار ساخت، و نسلی با ریشه های اعتقادی محکم را به جامعه اسلامی تحویل داد (پایدار و پروان، ۱۳۸۴، ص ۱۰۸).

مدرسه دیگری در شمال روستای اندوقان از توابع سنخواست بجنورد، به نام شیخ اندوقان وجود داشته که متعلق به سده هفتم هجری می باشد (عباسیان و سیدی زاده، ۱۳۷۲، صص ۱۲ و ۶۲؛ سیدی زاده و عباسیان، ۱۳۷۲، ص ۱۴). مدرسه سلطانیه نیز در سال ۱۲۶۶ هجری توسط حاج محمدخان ساخته شده است. بانی این مدرسه علمیه (حاج سلطان بزرگ) از روحانیون بجنورد است. این بنای آجری یک طبقه در سال ۱۳۲۰ هجری شمسی مرمت و تجدید بنا شده است. در حال حاضر این مدرسه به صورت حوزه علمیه (امام خمینی) اداره می شود (مطالعات کالبدی شهر، طرح توسعه و عمران (جامع) شهر بجنورد، ص ۸۱). نویسنده مدارس جدید در دوره قاجاریه در بجنورد، از شجاع الممالک بجنوردی فرزند سهام الدوله به عنوان اولین فردی یاد می کند که در سال ۱۲۸۴ خورشیدی (۱۳۲۵/ق ۱۹۰۷ م) اقدام به تأسیس مدرسه ای به نام شجاعیه نموده است، ظاهراً این مدرسه برای آموزش اطفال یتیم و مساکین

بجنورد بنا شده است، و شجاع الممالک بجنوردی هزینه مخارج پانزده نفر از اطفال یتیم و مساکین بجنوردی را بر عهده می گیرد.

« سلطان العلمای خراسانی که از جمله شهدای پیشرو و تجددخواه انقلاب مشروطیت بود، از این عمل شجاع الممالک قدردانی و آرزو کرده بود که دیگر مردم و رؤسای خراسان به اقدام های مثال شجاع الممالک تأسی کنند.» (سلطان العلمای خراسانی، روح القدس، ش ۱۰) (قاسمی پویا، ۱۳۷۷، ص ۴۲۰؛ آقا ملایی، ۱۳۸۹، ص ۳۵۴).

بر اساس نوشته های سفرنامه نویسان (بیت، ۱۳۶۵، ص ۱۷۵)، خاندان شادلو به ویژه یارمحمدخان سهام الدوله (حاکم شهر بجنورد) و فرزندش سردار معزز، جزء اولین کسانی بودند که در بجنورد در سال ۱۲۷۴ هـ ش در راه اندازی آموزش های جدید اقدام کرده اند. یارمحمد خان سهام الدوله که سفرهایی را به تهران و خارج از کشور داشته، از تحولات نوین آگاهی یافته و نسبت به امور جهان مطلع و اهل مطالعه به ویژه مطالعه کتب تاریخی بوده است. وی علاوه بر آشنایی به زبان فرانسه، نویسنده و شاعر نیز بوده است (متولی حقیقی، ۱۳۸۷، ص ۱۶۶). بیشتر اقدامات یارمحمد خان در جهت آموزش فرزندان و فراگیری زبان خارجه به ویژه زبان فرانسه بوده است (آقا ملایی، ۱۳۸۹، ص ۳۵۳؛ موزر، ۱۳۵۶، ص ۲۰۸؛ عضدی، ۱۳۸۴، ص ۱۱۲). یارمحمد خان برای تعدادی از فرزندان و اقوامش مدرسه ای به شیوه جدید دایر کرد، هم چنین در مشورت با تولوزون طبیب فرانسوی ناصرالدین شاه، یک معلم فرانسوی برای امر آموزش زبان فرانسه انتخاب کرد^۴ (شادلو، ۱۳۷۴، ص ۱۲۱؛ پایدار و پروان، ۱۳۸۴، ص ۸۹). موزر نیز از آموزش فرزندان یارمحمد خان نزد معلم فرانسوی آنها یاد می کند (غلام نژاد، ۱۳۸۷، ص ۸۹). یارمحمدخان همچنین از انجمن معارف دستورالعملی جهت تأسیس مدرسه ای از اموال خود، برای تحصیل پنجاه نفر اطفال فقیر و صغیر در بجنورد درخواست کرد (روزنامه ایران، نمره ۹۶۲، هجدهم ربیع الثانی ۱۳۱۷، ص ۳). سردار معزز^۴ در زمان حکومت خود بر بجنورد در سال ۱۲۸۶ هـ ش/ ۱۳۲۵ هـ ق، منزلش را به مدرسه ای به سبک جدید اختصاص داد، که گویا این مکان به نام « مدرسه همت» نام گذاری شد (پایدار و پروان، ۱۳۸۴، ص ۸۹). نویسنده کتاب «بجنورد مرکز جاذبه خراسان شمالی» سال ۱۲۸۵ هـ ش را سال تأسیس مدرسه همت ذکر کرده است. در کتاب «تاریخ مشاهیر خراسان شمالی» سال تأسیس مدرسه همت ۱۲۹۲ خورشیدی ذکر شده است (بازخانه

^۴ - فرزند سوم یارمحمدخان بوده است.

ای، ۱۳۸۳، ص ۳۵۶؛ آقا ملایی، ۱۳۸۹، ص ۳۵۴. در خصوص تأسیس دبستان همت بنا بر سندی که از سردار معزز به تاریخ ۱۲۹۷ خورشیدی در دست است، که به وزارت معارف نوشته و در آن سند تقاضای معلم عالی برای این دبستان نموده است، بنابراین تاریخ ۱۲۸۵ خورشیدی صحیح تر است (افشین فر، ۱۳۸۹، ص ۵۱).

در سندی که به خط و مهر سردار معزز است مبلغ حقوق، چگونگی استخدام و مدت قرارداد مشخص شده است:

« وزارت داخله ایالات خراسان، حکومت بجنورد و مضافات، نمره ۲۸۵، تاریخ ۱۹ برج دلو (۱۲۹۷ شمسی) مقام منبع وزارت جلیله معارفی - دامنه شوکته. سال گذشته در همین ماه یک نفر معلم عالی استدعا شد که از برای مدرسه همت بجنورد کتترات و اعزام فرمایند، میرزا سید عبدالله خان معین و اعزام گردید، و اینک که سه ماه به انقضای مدت استخدام مشارالیه مانده، استعفا نامه نوشته که چون داخل اداره تلگراف شده ام سه روز دیگر عازم مشهد خواهد شد. معذتر است به اینکه ابدالباقی کتترات نبسته اند. چون بی مورد کاری واقع و باید از طهران تهیه معلم نمود. به هر نوع است او را قانع کرده تقریباً نگاه داشته ام. استدعا دارم زودتر یک نفر معلم در ماهی پنجاه تومان حقوق و نان سالیانه، که دارای معلومات ذیل باشد با یک نفر فرانسه، جغرافیا، جبر و مقابله، هندسه، تاریخ طبیعی، علم الاشیاء، فیزیک. معلم متوسط برای کلاس چهارم ماهی بیست الی بیست و پنج تومان حقوق و نان سالیانه که از هر قسم لایق، منزله و دارای اخلاق پسندیده باشند مقرر فرمایند کتترات بسته اعزام فرمایند. یک نسخه از نخستین کتترات هر کدام تسلیم ایشان و یک نسخه از هر کدام برای بنده ارسال فرمایند. چنانچه مخارج راه لازم باشد، تلگرافاً مرقوم فرمایند تا حواله تلگرافی داده شود، و اسباب تأخیر حرکت آنها نشود.

برای استحضار خاطر مبارک، عرض می نماید که در این مدت نه ماه توقف میرزا سید عبدالله خان، به علاوه ماهی پنجاه تومان به رسم انعام برای تشویق او به مشارالیه دادم که به طور دلگرمی مشغول تدریس باشد. لیکن متأسفانه نتیجه برعکس و سه ماه به انقضای وعده مانده، به خیال مشهد افتاد.

عزیزالله (مهر) سردار معزز

متن سند

« وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، نمره ۴۸۸۵، تاریخ ۱۰ حمل ۱۲۹۸ شمسی.»

تلگراف بجنورد

حکومت جلیله بجنورد و مضافات - وزارت معارفه در ضمن نیت و معارف پروری جناب مستطاب عالی کمال امتنان را دارد و منتظر است توسعه معارف در آن حدود، سر مشق ایالات و ولایات ایران گردد. یکی از فارغ التحصیل -های دارالفنون با ماهی پنجاه تومان حقوق و نان سالیانه، به مدت یک سال به جهت معلمی انتخاب لذا مبلغ یکصد تومان برای مخارج سفر، تلگرافاً حواله فرمایند حرکت کند.

(امضاء) اعلم الدوله (کریمیان، ۱۳۸۳، صص ۱۶۱-۱۶۰)

این زمانی بود که هنوز مشهد حتی یک مدرسه متوسطه هم نداشت، و دانش آموزان فارغ التحصیل مدارس ابتدایی در آن موقع بلاتکلیف بودند (مجله تمدن، سال اول، ش ۲، فروردین ۱۳۱۰، ص ۲۶).
معمربین مدرسه همت را از اولین مدرسه به شیوه ی جدید قلمداد کرده اند. در ایجاد مدرسه همت گروهی از رجال معارف پرور بجنورد همت گماشتند، و به همین دلیل نیز نام این مدرسه را همت نهادند (متولی حقیقی، ۱۳۸۴، ص ۳۴۳). بانیان دبستان همت پنج نفر بودند که عبارتند از: عزیزالله خان سردار معزز، دکتر اسماعیل خان نیر الحکما (سامی) از اطبای بجنورد، میرزا محمد وحدت، غلامحسین و حاج محمد حسین و داد بجنوردی اولین نماینده منتخب مردم بجنورد در مجلس شورای ملی، که نامبردگان عهده دار حقوق آموزگاران و مخارج مدرسه بودند. حقوق افرادی همچون آقای سید عبدالله خان سیار و حبیب الله خان و میرزا احمد ناظم را سردار معزز از تهران استخدام نموده، و حقوق این عده توسط سردار معزز پرداخت می شد. حقوق بقیه کارکنان دبستان همت نیز از شهریه دریافتی توسط مدیر مدرسه از مردم تأمین می شد (افشین فر، ۱۳۸۹، ص ۵۵). در سال ۱۳۰۵-۱۳۰۳ خورشیدی فردی بنام میرزا عبدالحسین خان نادری به دعوت سردار معزز از اصفهان به بجنورد آمده، و در مدرسه همه دروس ریاضیات، ادبیات را تدریس می کرد. به پیشنهاد سردار معزز دختر ایشان خانم منور نادری که در یک مدرسه آمریکایی در تهران تحصیل کرده بود، به بجنورد عزیمت نموده و به عنوان معلم، برای دختران و زنان خاندان سردار تدریس می نمود. سردار پس از فوت همسرش با منور نادری ازدواج کرده و لقب عزیزه خانم به ایشان داده می شود. می توان خانم منور نادری را اولین معلم زن در آموزش و پرورش نوین بجنورد دانست (افشین فر، ۱۳۸۹، ص ۵۲). مدتی بعد دبستان دولتی در بجنورد تأسیس شد. دانش آموزان این دبستان به هنگام ورود رضاشاه به بجنورد در سال ۱۳۰۵ شمسی به استقبال او رفتند، در این استقبال هنگامی که رضاشاه به جمع دانش آموزان رسید، از ماشین پیاده شده و سؤالات ساده ای از آنان پرسید، ولی به روحانیت توجهی نکرد.

معلمین این مدرسه اغلب روحانیون بومی بودند، و شیوه جدید را با شور و شوق خاصی دنبال می کردند (پایدار و پروان، ۱۳۸۴، ص ۸۹). روحانیونی که به شیوه جدید رسیده بودند، تا مدتی شیوه ی مرسوم مکتب خانه ها را در دبستان - های جدید اجرا می کردند. گاهی مکتب دارها شاگردان خود را می فرستادند که بچه های مدرسه جدید را کتک بزنند، زیرا معتقد بودند که شاگردان در مدارس نوین دارند کافر می شوند. بعضی از مکتب دارها هم، مکتب خود را تعطیل می کردند و شاگردان را به مدرسه جدید می فرستادند. یکی از این افراد میرزا عبدالبدیع است که مکتب خود را تعطیل کرده، و شاگردانش را به دبستان همت فرستاد (افشین فر، ۱۳۸۹، ص ۶۰).

با شروع جنگ جهانی دوم، امکان تشکیل کلاس پنجم و ششم فراهم بود (پایدار و پروان، ۱۳۸۴، ص ۸۹). ولی الله دانش معروف به حاج آخوند متولد ۱۲۹۲ هـ ق (۱۲۵۱ ش) که با تحولات نوین و تأسیس مدارس به سبک جدید آشنا شده بود، پس از بازگشت به بجنورد، تلاش خود را در خصوص آموزش و پرورش بجنورد نوین در بجنورد آغاز کرد، و به همت دیگر علاقه مندان در سال ۱۲۸۹ ش اولین مدرسه جدید در بجنورد تأسیس شد، و حاج آخوند ولی الله دانش به عنوان نخستین مدیر این مدرسه کار تدریس را نیز در این مدرسه چهار کلاسه آغاز کرد. ولی - الله فرزند علی در خانواده ای کشاورز به سال ۱۲۹۲ هجری قمری / ۱۲۵۱ خورشیدی دیده به جهان گشود. جد او محمدحسین و پدرش در روستای دهنه اجاق جوین سکونت داشتند. او تحصیلات مقدماتی را در سبزوار گذراند، و پس از آن در مشهد مقدس به تکمیل علوم معارف اسلامی همت گماشت. وی در مدارس علمیه آن شهر و از جمله در مدرسه خیرات خان از خرمن فیض استادان زمان خوشه ها چید. اقامت او در مشهد هشت سال به طول انجامید، و در همان جا بود که با چگونگی کار مدارس جدیدالتأسیس از نزدیک آشنایی یافت. وی ابتدا مکتب خانه ای جهت آموزش اطفال دایر کرد، و سپس به فکر تأسیس مدرسه جدید افتاد. حاج آخوند بر این باور بود که ایجاد مدارس نوین جهت گسترش سواد و همگانی کردن دانش وسیله مؤثری خواهد بود. حاج آخوند در حقیقت پدر فرهنگ بجنورد و یکی از برجسته ترین چهره های فرهنگی و معلمان دانشمند و مدرسان فقه، ادبیات و مقدمات عربی در بجنورد به شمار می رود. او علاوه بر تدریس در دبستان همت بر اساس روش تدریس و طرح درس، به بانوان و دختران بجنوردی نیز در منازل سواد و درس می آموخت. پس از درگذشت حاج آخوند، به یادبود خدمات ایشان در بجنورد و اسفراین دبیرستانی با نام « دانش » نام گذاری شد (آقاملایی، ۱۳۸۹، صص ۳۵۸-۳۵۹).

اگر چه در سال های اول افتتاح مدرسه همت، تحصیل در آن برای بعضی از خانواده های مذهبی خوشایند نبود، اما سرانجام با تلاش های برخی از روحانیون و معلمان از جمله حجج الاسلام مرتضوی، حاج میرزا احمد، حاج شیخ احمد محب علی، حاج میرزا علی فاطمی و شیخ ذبیح اله فقیه این مشکل برطرف شد، و خانواده های بجنوردی از تحصیل فرزندان خود در این مدرسه استقبال کردند. میرزا محمد وحدت یکی از فرهنگ دوستان بجنوردی بوده است که در کار تدریس مدرسه چهار کلاسه همت سهیم بوده، و در بنیان گذاری و جذب معلمان اولیه مدرسه همت نقش بسزایی داشت. ایشان نیز دبستانی به نام وحدت تأسیس نمود (عباسیان و سیدی زاده، ۱۳۷۲، ص ۱۰۲). نامدار رزبان (رزبانی) که از ۱۲ سالگی یعنی از سال ۱۲۹۲ معلمی را در مدرسه همت آغاز کرده بود، حدود پنجاه سال به تدریس ریاضی، تاریخ، جغرافیا و قرآن در مدارس شهرستان بجنورد اشتغال داشت. وی تا سال ۱۳۴۱ به عنوان نماینده فرهنگ در بخش های مختلف بجنورد خدمت می کرد. حاج محمد سلطانی یکی از چهره های شاخص فرهنگی بجنوردی در سال های اخیر نیز پس از اینکه در سال ۱۲۹۸ برای تحصیل وارد مدرسه همت شد، بعد از دریافت مدرک ششم ابتدایی در سال ۱۳۰۸ با حقوق ماهی ۸۰ ریال به عنوان معلم به استخدام معارف بجنورد درآمد (متولی حقیقی، ۱۳۸۴، صص ۳۴۳-۳۴۶).

مدرسه همت (۱۲۹۲ ش / ۱۹۱۳ م) طبق آمار سال ۱۳۰۶ ش دارای ۱۹۳ دانش آموز بوده که ۲۸ تن آنان به صورت رایگان تحصیل می کردند. در سال مذکور پنج آموزگار در خدمت مدرسه بودند (قاسمی پویا، ۱۳۷۷، ص ۴۲۰). دکتر اسماعیل خان سامی «نیر الحکما» نیز یکی از بنیانگذاران دبستان همت بجنورد بود، و برای مدتی نیز در آن مدرسه به تدریس اشتغال داشت (عباسیان و سیدی زاده، ۱۳۷۲، ص ۱۰۲). پس از آن به سرعت مدارس دیگری در مناطق مختلف این شهرستان نظیر جاجرمد، سنخواست، گیفان و مانه و سملقان گشایش یافت، به طوری که در سال های ۱۳۰۰ به بعد بیش از ۴ درصد از فعالیت های آموزشی کل استان خراسان به این شهرستان اختصاص داشت (بازخانه ای، ۱۳۸۳، ص ۳۵۶).

با روی کار آمدن سلسله پهلوی توجه به امر افزایش سطح دانش عمومی، و سبک جدید آموزش افزایش یافت. در دوره پهلوی اول، بودجه و اعتبارات فعالیت های عمرانی و فرهنگی کشور رفته رفته افزایش یافت. در راستای ایجاد وحدت رویه و یکپارچه سازی سیستم های آموزشی در اسفند ۱۳۰۰ ش، شورای عالی فرهنگ با هدف نظارت بر امور اساسنامه ها، برنامه ها و امتحانات تمامی آموزشگاه ها و مدرسه های کشور به وجود آمد، و نظارت بر فعالیت های مدرسه های غیر دولتی (خصوصی) افزایش

پیدا کرد (صدیق، ج ۱۶، ۱۳۵۵، ص ۱۸۶). در همان نیمه اول حکومت رضاشاه، بودجه وزارت معارف چندین برابر شده، و حدفصل سال های ۱۳۰۴ تا ۱۳۱۰ ش، از ۷۷۳۱۳۸ تومان به ۲۶۷۵۰۳۷ تومان رسید، که همین امر باعث افزایش تعداد مدرسه های نوین و دانش آموزان آن گردید (موقر، ۱۳۱۲، صص ۳-۴). به طوری که در سال ۱۳۱۵ ش به ۲۵۷۵۵۷ نفر، و در سال ۱۳۲۰ ش به نزدیک ۵۰۰ هزار نفر افزایش یافت (آبراهامیان، ۱۳۷۷، ص ۱۸۰).

روزنامه ها در سال ۱۳۰۶ خ از توجه دولت به احداث مدارس و استقبال مردم گزارش می دادند. روزنامه اطلاعات از همکاری مقامات کشوری و لشکری با مردم در ایجاد مدرسه سخن به میان آورده است:

«۲۰ اردیبهشت مسافرت فرمانده لشکر شرق به صحرا (ترکمن صحرا) به نتایج خوبی بخشیده و اسباب اطمینان آن شده و به تمدن نزدیک می شوند، و خودشان برای مدرسه استقبال نموده و قره نوده خود فرمانده لشکر شرق، اول خشت بنای مدرسه را نهاد و در جرگلان هم نقشه برداری برای مدرسه به عمل آمد.» (پایدار و پروان، ۱۳۸۴، ص ۹۳)

با توجه به سیاست ضد مذهبی رضاشاه حسینی ها در بنجورد تعطیل شد، و مالکین برخی از حسینی ها از جمله حسینیه کاظم فراش باشی که بعد به نام حسینیه کربلایی علی گله معروف شد، برای امر تعلیم و تربیت به اداره فرهنگ داده شد، که دبستان ناهید در آنجا افتتاح شد. بنای قدیمی حسینیه بعدها توسط اداره فرهنگ بازسازی شد. این مکان در حال حاضر درمانگاه فرهنگیان می باشد (افشین فر، ۱۳۸۹، ص ۷۱). آموزش و پرورش بنجورد تا سال ۱۳۰۸ تحت عنوان نمایندگی معارف اداره می شد، اما در این سال به اداره شهرستان ارتقاء یافت. مکان اداره نخست در دبستان همت بود، و مدتی بعد به منزلی واقع در کوچه شهید نقی زاده و مکان ساختمان برق سابق منتقل شد. سینما شهرزاد^۵ منزلی در خیابان طالقانی، منزل آقای جاهد واقع در خیابان امامی (امیریه کنونی) مکانی در خیابان شریعتی جنب پست خانه، مکان فعلی درمانگاه فرهنگیان و بالاخره دبستان فردوسی از دیگر محل های اداره آموزش و پرورش بنجورد بوده اند (متولی حقیقی، ۱۳۸۴، صص ۳۵۷-۳۵۲). مخبر روزنامه کوشش در تاریخ ۱ خرداد ۱۳۰۷ اشاره می کند: «هنوز اسمی از اداره معارف و اوقاف شنیده نشده، بعلاوه مدرسه دولتی هم ندارد. بنجورد فقط دارای یک مدرسه ملی چهار کلاسه بنام همت و دبستانی بنام سعادت است که روی هم شاگردان آن بالغ بر دویست نفر است. اخیراً از طرف دولت هشتاد تومان

^۵ - آزمایشگاه عمومی و پژوهشگاه معلم فعلی.

بودجه جهت مدرسه همت تعیین گردیده که با عایدی خودش مدرسه را توسعه دهند. چند نفر از اشخاص به دولتی شده مدرسه همت راضی نبوده و میل داشتند با هشتاد تومان مدرسه علیحده افتتاح شود. ولی اکثر با نظر اداره معارف ایالتی موافق و تصمیم گرفته شده که مدرسه شش کلاسه تأسیس شود. (اوقاف بجنورد بواسطه هیچگونه بازپرس معلوم نیست چه می شود؟) «روزنامه کوشش، شماره ۹۲، ۱۳۴۶ق، ص ۲؛ کریمیان، ۱۳۹۹، ص ۱۳۷).

دبستان همت بجنورد تا سال ۱۳۰۸ ملی بود و بابت شهریه از هر دانش آموز ۲ ریال گرفته می شد، اما در این سال این مدرسه به مدرسه دولتی ۶ کلاسه تبدیل شد. با افزایش تعداد دانش آموزان، شعبه جدید دایر می گشت. ساعات کار مدرسه از ساعت ۸ صبح تا ۴ بعدازظهر دایر بود، و در فصل تابستان فقط یک ماه کلاس های بعدازظهر تعطیل بود. در همین سال کلیه بودجه مدرسه و از آن میان حقوق پرسنل ۱۳۶ تومان بود (متولی حقیقی، ۱۳۸۴، ص ۳۴۶).

قابل ذکر است که در آغاز تأسیس مدرسه به شیوه جدید، همگی معلمان معمم بودند. دانش آموزان تا ۱۳۱۲ خورشیدی فاقد مدرک تحصیلی بودند (پایدار و پروان، ۱۳۸۴، صص ۹۰-۹۳). حدود سال های ۱۳۱۳-۱۳۱۲ یک فقره آتش سوزی در اداره معارف بجنورد اتفاق افتاد که در جریان آن بسیاری از اسناد بایگانی در آتش سوختند (متولی حقیقی، ۱۳۸۴، ص ۳۴۸). در آغاز مدارس جدید فقط پسران مشغول تحصیل بودند. پس از مدت ها به علت توسعه فضای آموزشی، امر تحصیل برای دختران آماده شد، و این بدان دلیل بود که دختران از همان آغاز اجازه تحصیل نداشتند. علل این امر به شرح ذیل است:

۱- در محیطی که خانواده ها توانایی فراهم ساختن معاش، آموزش و تربیت پسران را نداشتند، احتمالاً تعلیم دختران مشکل و پر هزینه بوده است.

۲- غیرت مردم اجازه نمی داد که زنان در محیط اجتماع ظاهر شوند، به خصوص در روستاهای ترکمن نشین، دختران برای آموزش در مدارس حضور پیدا نمی کردند.

۳- چون محیط شهرستان محدود و بسته بود و معلمان اکثراً مرد بودند، لذا مردم دختران را به مدرسه نمی فرستادند و آموزش دختران را صلاح نمی دانستند.

البته معمرین معتقدند که در گذشته خانواده ها سواد و کسب دانش را برای زنان منفی می دانستند، حتی مراقب بودند که برای جلوگیری از خواندن کتاب هایی مانند یوسف و زلیخا توسط زن یا دختر باسواد، آنها را بر روی طاقچه قرار ندهند، و دور از دسترس باشد (پایدار و پروان، ۱۳۸۴، ص ۹۰).

تأسیس مدرسه دخترانه در بجنورد حدود سال ۱۳۰۸ شمسی به بعد بوده است، و بانی آن بانو خدیجه مرادیان می باشد. ابتدا دو کلاس و بعدها چهار کلاسه شد و این مدرسه به خاطر عدم وجود معلمین تحصیل کرده به حد کافی، و به خصوص عدم رسمیت آن به طور مدرسه «ملی» دخترانه تأسیس و اداره می گردید، و چون کلاس های پنجم و ششم ابتدایی وجود نداشت، دادن «تصدیق نهایی» شش ساله ابتدایی مفهومی نداشت (افشین فر، ۱۳۸۹، صص ۶۱-۶۲). دانش - آموزان تا حدود سال ۱۳۱۲ شمسی فاقد مدرک تحصیلی بودند (پایدار و پروان، ۱۳۸۴، صص ۹۲-۹۳). دخترانی که قصد شرکت در امتحانات ششم ابتدایی و اخذ تصدیق رسمی را داشتند، باید به قوچان عزیمت کرده و در امتحانات آن شهرستان شرکت نمایند، که این خود مشکلی بود برای اخذ مدرک تحصیلی که پس از مدتی با مکاتبات متعدد و اقدامات اولیای امور، کلاس های پنجم و ششم ابتدایی دختران تشکیل، و از سال ۱۳۱۷ به بعد اجازه تصدیق شش ساله ابتدایی دختران در شهرستان بجنورد صورت قانونی به خود گرفت (افشین فر، ۱۳۸۹، صص ۶۱-۶۲).

با توجه به افزایش دانش آموزان دختر در مدرسه مختلط غیر دولتی همت، اولیاء امور با تأسیس دبستان دولتی دخترانه در بجنورد موافقت کردند، و در سال های پایانی سلطنت رضاشاه اولین دبستان دولتی دخترانه بجنورد با نام دبیرستان ایراندخت تأسیس گردید (روزنامه آفتاب شرق، سال چهاردهم، شماره ۱۱۵۷، یکشنبه ۲۳ بهمن ۱۳۱۷؛ متولی حقیقی، ۱۳۸۴، ص ۳۴۸). در رابطه با اولین دبستان دخترانه در بجنورد، اکثر معتمدین محلی و مطلعین فرهنگی معتقدند دبستان «ایراندخت» اولین مرکز آموزشی به شیوه نوین بود، که با توجه به تقاضای جامعه و کمک فرهنگیان این شهر تأسیس شده است. محل این دبستان ابتدا در یکی از محلات شمال غربی شهر واقع بوده، و پس از چند سال عده ای از فرهنگ دوستان و بزرگان شهر تصمیم گرفتند، ساختمانی را برای دبستان دخترانه بسازند تا دختران مجبور نباشند از بازار و معابر شلوغ عبور کرده و به مدرسه بروند. لذا زمین فعلی دبیرستان ایراندخت (سمیه فعلی) را به مساحت ۲۳۰۰ متر از مالک آن آقای دکتر پور هاشمی (متری ۲۰۰ تومان) خریداری، و ساخت آن را به متری ۳۰۰ تومان به مقاطعه دادند (افشین فر، ۱۳۸۹، ص ۶۲).

در سال ۱۳۱۰ مدارس مختلفی به وجود آمد، ولی چون بجنورد دور از مرکز استان و شهرهای بزرگ واقع شده و فاقد جاده های ارتباطی بود، در زمینه علمی و فرهنگی پیشرفتی نداشت. تا سال ۱۳۱۷ در بجنورد دبیرستان وجود نداشت، اما با توجه به رشد تعداد فارغ التحصیلان دبستان همت و سایر دبستان های حوزه بجنورد، در این سال نخستین دبیرستان پسرانه دولتی بجنورد به

نام همت تأسیس شد(روزنامه آفتاب شرق، سال چهاردهم، شماره ۱۱۵۷، یکشنبه ۲۳ بهمن ۱۳۱۷؛ متولی حقیقی، ۱۳۸۴، ص ۳۴۸). دروسی که در اول دبیرستان در آن سال تدریس می شد عبارت بودند از: ادبیات، عربی، تاریخ و جغرافیا، ریاضیات، ورزش و زبان فرانسه، که به درس ورزش نیز نمره داده می شد(افشین فر، ۱۳۸۹، ص ۶۶). تا سال ۱۳۱۸ تعداد مدارس حوزه بجنورد کمتر از شمار انگشتان دست بود. در این سال نمایندگی فرهنگ بجنورد به فردی به نام میرافسری واگذار شد. با تلاش میرافسری و موافقت وزارت فرهنگ تصمیماتی برای افتتاح ۳۰ دبستان جدید در بجنورد اتخاذ گردید. یکی از نخستین این مدارس دبستان شش کلاسه فرخی بجنورد بود که در ۲۵ دیماه ۱۳۱۸ افتتاح شد. در مدرسه فرخی علاوه بر تدریس کتب درسی، کارهای فوق برنامه شامل انجمن موسیقی، انجمن سخنرانی، انجمن نمایش، انجمن ورزش، انجمن کتابخانه و انجمن نشر سالنامه نیز مورد توجه بود(متولی حقیقی، ۱۳۸۴، صص ۳۴۸-۳۴۹-۳۵۰).

پس از ایران‌دخت دبستان دخترانه ناهید به همت رقیه مرادیان در سال ۱۳۱۶ افتتاح شد، کم کم معلمین زن وارد این دبستان شدند، که اولین معلم با مدرک سیکل «ایران ملک حسن زاده» بود. در دبستان های همت، ایران‌دخت و فرخی، پوشیدن لباس فرم برای دختران و پسران اجباری بود. پسران باید از کلاه پهلوی که جلوی آن آرم دبستان مبارکه همت حک شده بود بر سر می گذاشتند، و دختران از روپوش و جوراب به رنگ خاکستری باید استفاده می کردند(افشین فر، ۱۳۸۹، ص ۶۸).

پس از تأسیس مدارس نوین، مکتب خانه های قدیمی به طور کامل تعطیل نشدند، تعداد انگشت شماری از مکاتب قدیمی تا سال ها به فعالیت خود ادامه می دادند، که می توان به مکتب خانه آقای زهرایی با نام «امید ملی» اشاره کرد. آقای زهرایی مشهور به آقای مدیر، اولین مکتب دارای مجوز رسمی از اداره فرهنگ را افتتاح نمود. ایشان جزو معدود مکتب‌دارهایی به شمار می رفت که سرشار از اطلاعات و معلومات مختلف بود، اهل مطالعه فراوان و مسلط به زبان عربی و علم تفسیر بود. وی خطی زیبا داشت و در ردیف آخوندهای مشهور بجنورد در عصر خود بود. علاوه بر تعلیم شاگردان مکتب خانه و مؤذن شهر، به کارهای فنی نیز اشتغال داشت. مثلاً ساختن میز و نیمکت، شیرازه کردن کتب و... . تعداد شاگردان ایشان از تمام مکتب خانه ها بیشتر بود. در آموزش کودکان سخت گیری می کرد. هر پنج شنبه از شاگردانش امتحان می گرفت، در حالی که چنین کاری در سایر مکاتب سنتی مرسوم نبود. اجرای مراسم صبحگاهی، کنترل وضعیت نظافت شاگردان، و ارسال گزارش کار مکتب و وضعیت تحصیلی کودکان به اداره فرهنگ توسط ایشان صورت می گرفت. در مکتب «امید ملی»

به خط خوش و نوشتن نستعلیق تأکید فراوانی می گردید. در این مکتب کودکان محصل روی نیمکت می نشستند و میز داشتند و برخلاف سایر مکتب ها که برای گرم کردن کلاس از اجاق و منقل خاکی و امثال آن استفاده می کردند، از بخاری که سوخت آن چوب بود استفاده می شد. وقتی یکی از کودکان موفق به ختم قرآن و در آزمون قبول می شد، توسط ایشان دست هایش بسته می شد و آن به معنای اخذ کارنامه قبولی بود. این مکتب دارای دو کلاس پسرانه بوده که توسط آقای زهرایی و فرد دیگر تدریس می شد، و دو کلاس دخترانه که توسط همسرشان بانو «سلطنت صانعی» و مدتی هم توسط دخترشان «فردوس بی بی زهرایی» تدریس می شد. شاگردان از سن هفت الی هجده سالگی در آن محیط درس می خواندند. کلاس ها از ساعت ۷ الی ۱۲ و ۲ الی ۵ عصر دایر بودند. معمولاً کلاس دختران حدود ۳۰ نفر و کلاس پسران حدود ۵۰ نفر بودند. همزمان با مکتب خانه امید ملی، دبستان همت هم فعالیت داشت، ولی بعضی از مردم ترجیح می دادند فرزندانشان آموزش قرآنی ببینند (افشین فر، ۱۳۸۹، ص ۷۰).

بعضی مراسم در مکتب خانه های بجنورد انجام می شد، که هدف از برگزاری این مراسم احترام به مکتب دار و شرکت در شادی های مردم شهر بود. یکی از این رسوم، مراسم آزادنامه بود، شامل آزادنامه برای عروسی، آزاد نامه برای تولد فرزند و آزادنامه برای جشن ختنه سوران. اگر در محله مکتب یکی از این جشن ها برگزار می شد، آخوند شهر بر اساس موضوع مراسم شعری می سرود و روی کاغذ نوشته به خلیفه یا ارشد کلاس می داد تا به همراه سایر شاگردان در میهمانی شرکت کند. خلیفه نیز همراه با شاگردان مکتب خانه در آن مجلس حضور می یافتند، و برای صاحبخانه شعر را قرائت می نمودند. صاحبخانه نیز هدیه ای برای آخوند اهدا می کرد. شاگردان پس از بازگشت به مکتب، هدیه را به آخوند تحویل داده و تعطیل می شدند.

نظام آموزش و پرورش نوین، سیستم آموزشی قدیم که بر آموزش های دینی استوار بود، رو به زوال رفته، و حوزه های دینی اهمیت سابق خود را از دست دادند، و نظام آموزشی جدید منطبق بر مدل غربی، در کنترل مستقیم وزارت آموزش و پرورش بود. بر مبنای همین سیاست در سال های آخر سلطنت رضاشاه، شاهد افزایش شدید تعداد مدارس جدید، در مقابل کاهش تعداد مدارس مذهبی و مکتب خانه ها هستیم (نخشید، ۱۳۷۷، ص ۱۰۵)، و شیوه تعلیم و تربیت مکتب خانه ای به فراموشی سپرده شد. در اخبار جراید، شهرستان بجنورد در مقایسه با دیگر شهرستان های استان بجنورد از نظر سواد در سطح پایین بوده است (روزنامه آفتاب شرق، سال ۵، ۷۳، ۱۳۰۷/۹/۳، ص ۱). از این رو با روی

کار آمدن سلسله پهلوی، توجه به امر افزایش سطح دانش عمومی و سبک جدید آموزش افزایش یافت. روزنامه ها در سال های ۱۳۰۶ شمسی از توجه دولت به احداث مدارس و استقبال مردم گزارش می دادند. روزنامه بهار نیز از خوشحالی اقشار مختلف مردم از تأسیس مدرسه یاد و چنین آورده است: «از بجنورد می نویسند به مناسبات افتتاح یک باب مدرسه دولتی دیگر در بجنورد، مجلس جشن با شکوهی با حضور حکومت و علما و تجار و رئیس معارف محل و مدیر مدرسه و آقایان نظام الشریعه انشاء و قرائت گردید، و مجلس با مسرت کامل خاتمه یافت.»

روزنامه شهامت از تأسیس مدارس در توابع بجنورد از جمله گرمه، جاجرم، جرگلان، نردین، امند، سملقان، مانه، کسبایر، نوده، چناران، گرمخان، گلی داغی، مراوه، اسفراین و سنخواست خبر داده است (روزنامه شهامت، شماره ۲۹، ۱۳۱۸/۱۰/۶، ص ۱)

تحقیقات نشان می دهد که روحانیون بجنورد، نه تنها با گسترش علم آموزی هیچ گونه مخالفتی نداشتند، بلکه حتی بسیاری از روحانیونی که در مکتب خانه ها به امر آموزش خواندن و نوشتن مبادرت داشتند، وارد مدارس جدید شدند. در آن زمان حجه الاسلام والمسلمین نظام الشریعه، خطابه غرایی در تشویق و ترغیب مردم به امر سوادآموزی ایراد کرد. معمرین هم عقیده داشتند، که معلمین شان روحانیون بودند و هیچ مخالفتی با دبستان و آموزش های جدید نداشتند، و مطالب درسی نیز با تعلیم اسلام مخالفتی نداشت.

در آغاز تأسیس مدارس جدید، کتاب خاصی برای تحصیل وجود نداشت، تنها کتاب هایی که جنبه مذهبی و نوحه داشت و قرآن تدریس می شد، و معلمین مطالبی را با خط خوش می نوشتند و دانش آموزان این نوشته ها را به عنوان مطالب درسی می پذیرفتند. بعد از چند سال کتاب هایی با چاپ نفیس توزیع شد. معلمین جدید مسائل دینی و احکام دینی را تعلیم می دادند، و بزرگ ترین اتاق مدرسه به مسجد اختصاص داشت. وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه، شیوه آموزش و پرورش فرانسه را در مدارس به اجرا در آورد. وقتی رضاشاه به عللی روابطش را با فرانسه از لحاظ فرهنگی قطع کرد، آموزش زبان فرانسوی از کتب دانش آموزان حذف شد، و تعلیم و تربیت زبان انگلیسی در مدارس متداول شد.

در مدارس جدید تنبیه بدنی مثل فلک کردن به شیوه مکتب خانه وجود داشت، و اصولاً فراش مدرسه (خدمتگزار) امر فلک کردن دانش آموزان را اجرا می کرد. امتحان از دانش آموزان به عهده معلم نبود، بلکه رؤسای ادارات از دانش - آموزان امتحان به عمل می آوردند. مدارس جدید با برنامه

های از پیش تعیین شده دانش آموزان را با اموری چون شاه دوستی و میهن دوستی آشنا می کردند) پایدار و پروان، ۱۳۸۴، صص ۹۲-۹۳). دبستان های بجنورد تا سال ۱۳۳۳ به هفت باب رسید(دبستان های ۱۷ دی، ناهید، بهمن، ۱۵ بهمن، فرخی، داریوش و امیرکبیر). دبیرستان های دخترانه و پسرانه این شهر نیز در مجموع ۶ باب بودند (دبیرستان های دخترانه شامل ایران‌دخت و ششم بهمن و ۲۵ شهریور و دبیرستان های پسرانه شامل دبیرستان همت، امیرکبیر و دبیرستان دهقان). با توجه به افزایش دبیرستان ها در شهر بجنورد، تا سال ۱۳۴۰ امتحانات نهایی ششم دبیرستان در این شهر برگزار نمی شد، و دانش آموزان بایستی به مشهد عزیمت می کردند (متولی حقیقی، ۱۳۸۴، صص ۳۵۲-۳۵۷). رژیم پهلوی مدعی بود که درد اجتماع، جهل و بی سوادی است. تا سال ۱۳۴۲ حدود ۱۶ الی ۲۴ درصد کودکان در ولایات به مدرسه می رفتند و بقیه بی سواد می ماندند. در مجموع، ۷۵ درصد ایرانیان از نعمت سواد محروم بودند(پهلوی، ۱۳۷۳، ص ۱۹۱).

با احداث جاده آسیایی در سال ۱۳۴۵ و مسیر آن در این منطقه و با آمدن توریست های خارجی و انبوه زائرائی که از این شهر عبور می کردند، فرهنگ غیر بومی به این منطقه رسوخ نمود. اهالی این شهرستان که تا آن موقع در محیطی آرام و بکر و به دور از تحولات زندگی می کردند، به یکباره تغییر کردند، و به دانش و سواد گرایش یافتند، تا آن جا که هیچ خانواده ای حاضر نبود دختر خود را به عقد یک مرد کارگر یا کشاورز یا تاجر بی سواد در آورد، و داماد آینده خود را از میان باسوادها و کارمندان دولت انتخاب می نمودند(بازخانه ای، ۱۳۸۳، ص ۷۶).

بررسی عملکرد دولت پهلوی اول، مؤید تلاش این دولت در حذف دین از عرصه های مختلف سیاسی است. کارگزاران و برنامه ریزان فرهنگی آن عصر در طراحی ایده آل فرهنگی خود، مدلی از فرهنگ را در نظر داشتند که باورها و ارزش های دینی در آن نقش تعیین کننده ای نداشته باشد(اکبری، ۱۳۸۲، ص ۲۴۲). یکی از مهم ترین مواردی که در زمینه سیاست گذاری آموزشی و بیان مسائل مذهبی در کتاب های درسی عصر پهلوی اول به چشم می خورد، تغییر سیاست های آموزشی در بعد مذهبی در این دوره از ابتدای سلطنت وی است. این تغییر به ویژه پس از تقویت رویکرد ضد مذهبی رضا شاه در نیمه دوم حکومتش به طور کامل در کتاب های درسی مشهود است(سعادت، ۱۳۰۴، ص ۸). سپاهیان دانش به منظور آگاهی دادن به مردم و نفوذ تفکرات « پهلوی گرایی» و هدایت آنان به سوی دروازه تمدن، به روستاها اعزام شدند. اغلب روستا های کوچک فاقد دبستان بودند و فقط مکتب خانه داشتند(پایدار و پروان، ۱۳۸۴، صص ۲۴۸-۲۵۰).

ذبیح الله اشرف زاده در سال ۱۳۴۶ به ریاست آموزش و پرورش شهرستان بجنورد منصوب و در این مدت دانشسرای شبانه روزی دختران- خانه جوانان- خانه پیشاهنگی و بنای چندین ساختمان مدرسه از آن جمله: دانشسرا، دبیرستان امیرکبیر، دبستان وحدت را افتتاح نمود، و با تغییر محل اداره و اتمام دبیرستان ایراندخت و توسعه کلیه مدارس و پله بندی و لوله کشی استادیوم ورزشی و خرید زمین برای سالن سرپوشیده و تکمیل و توسعه نرده کشی زمین پیشاهنگی، توسعه کتابخانه و سایر امور اقدام کرد(ظلی، ۱۳۵۰، ص ۳۹).

بسیاری از دانش آموزان کشور، بعد از اخذ دیپلم و با شرط معدل به جای خدمت سربازی به خدمت سپاه دانش در می آمدند. با رحلت آیت الله میرزا احمد مرتضوی در سال ۱۳۴۷، مسئولین امر در به کار گیری دختران سپاهی دانش در روستاهای شهرستان مبادرت می کردند، و این امر برای آنان تولید مشکل نکرد. در گزارش خبری روزنامه آمده است که با حضور مسئولین شهرستان، و رئیس آموزش و پرورش، مردم آغاز ورود دختران سپاه دانشی در بجنورد را جشن گرفتند (پایدار و پروان، ۱۳۸۴، صص ۲۵۰-۲۴۸). بسیاری از سپاهیان دانش برای روستاییان مشکل ساز بودند، و خیلی از آنان جوانان کوشا و مؤدبی نبودند.

ورود سپاه دانش خانم به فرهنگ روستایی ضربه می زد، زیرا زنان روستایی دارای حجب و حیا بودند، ولی خانم سپاهی با سری برهنه و باز، حجب و حیا و عفت عمومی را مکدر می نمودند(پایدار و پروان، ۱۳۸۴، ص ۲۵۰). در اوایل دهه پنجاه علاوه بر تأسیس چند مدرسه راهنمایی، دبستان و دبیرستان، هنرستانی نیز با نام هنرستان فنی(هنرستان سیدجمال الدین اسدآبادی فعلی)، با رشته های ساختمان، مکانیک و برق در سال ۱۳۵۳ تأسیس گردید. در سال ۱۳۵۴ نیز دانشسرای مقدماتی دخترانه در این شهرستان دایر شد. در دو دهه آخر حکومت پهلوی چندین مدرسه ملی در بجنورد تأسیس گردید. از مهمترین مدارس می توان به دبستان ملی پسرانه آیندگان واقع در کوچه دبیرستان شهدای فرهنگی، دبستان ملی جمال زاده واقع در کوچه برق منزل آقای ضیغمی و دبستان ملی کیوان واقع در جنب مدرسه مطهری و دبستان پروین اعتصامی می توان اشاره کرد(متولی حقیقی، ۱۳۸۴، صص ۳۵۲-۳۵۷). تا سال ۱۳۵۰ آموزش و فراگیری علوم و فنون رایگان نبود، بلکه در آغاز سال تحصیلی شهریه ای از دانش آموزان اخذ می کردند، ولی از سال ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ آموزش رایگان به عنوان یکی از اصول «انقلاب سفید» مطرح شد. از این زمان نه تنها شهریه ای از دانش آموزان اخذ نمی شد، بلکه طبق اصل دیگر انقلاب شاه و ملت، تغذیه ای کامل و رایگان در اختیار دانش آموزان قرار می

گرفت. کمبود آموزگار و دبیر در سطح شهرستان مشهود بود. در سال ۱۳۴۷، تنها در شهرستان بجنورد ۶۰ آموزگار مورد احتیاج بود. در گزارش های متعدد روزنامه ها، از « وضع نابسامان دبیرستان ها» (روزنامه خراسان یومیه، سال ۲۰، شماره ۵۵۸۸، چهارشنبه ۱ آبان ۱۳۴۷، ص ۶)، « تبعیض چشم گیر در نقل و انتقالات» (روزنامه مرد مبارز، سال ۱۸، شماره ۱۶۸۰، دوشنبه ۴ شهریور ۱۳۴۷، ص ۳)، « عدم توجه به خواسته های مردم» (روزنامه مرد مبارز، سال ۱۷، شماره ۱۵۲۵، چهارشنبه ۲۹ آذر ۱۳۴۶، ص ۳؛ روزنامه مرد مبارز، سال ۱۷، شماره ۱۵۲۰، چهارشنبه ۲۰ آذر ۱۳۴۶، ص ۳)، و « زنگ مدرسه ها به صدا در آمد و از معلم خبری نیست» و مانند این ها مطالب فراوانی آورده شده است (همان، سال ۱۸، شماره ۱۶۷۷، چهارشنبه ۳۰ مرداد ۱۳۴۷، ص ۳)، در شهر مدارس مختلط وجود داشت. از طرف دیگر، با تأسیس هنرستان، دختران و پسران دبیرستانی در کنار هم در کارگاه ها و کلاس درس حضور پیدا می کردند. هدف از این برنامه ها، تضعیف ارزش های دینی بود. البته در این زمان، سخن از برابری حقوق و تساوی مرد و زن بود، و اغلب دختران بدون حجاب اسلامی بودند. آموزش و پرورش از سال ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۲ از دو جهت مشکل داشت: مشکل فضای آموزشی و مشکل تأمین کادر آموزش و پرورش. در سال ۱۳۴۶ کل دبستان های بجنورد ۴ باب بوده، و بقیه دانش آموزان از تکایا، حسینیه ها و منازل استیجاری به عنوان دبستان استفاده می کردند. رژیم پهلوی در میان دستگاه های مختلف، پس از ارتش به نیروهای اداری توجه می کرد. فرهنگیان عضو سازمان امور استخدامی کشور بودند. آنان دارای امتیازات و حقوق مناسب نسبت به اقشار جامعه بودند، به طوری که در سال ۱۳۵۰ صاحب بانک فرهنگیان شدند) صادقی، ۱۳۷۳، صص ۲۷۵-۲۷۶).

در دوره پهلوی دوم از سال ۱۳۵۰ آموزشگاه های راهنمایی زیادی در شهرستان و در عرض آن، آموزشگاه های دیگر در بخش های جاجرم، مانه و سملقان تأسیس کرد. کمبود فضای آموزشی در کل شهرستان کاملاً مشهود بود. طبق آمار سال ۱۳۴۵، از کل افراد ۷ سال به بالا، در حدود ۱۸/۹٪ باسواد بودند، ولی در سال ۱۳۵۵ برابر ۳۳/۷٪ با سواد بوده است (همان، صص ۱۳۴-۱۳۵).

سال	شهرستان زن و مرد	مرد	زن	شهرستان زن و مرد	مناطق شهری		مناطق روستایی زن و مرد	مناطق روستایی	
					مرد	زن		مرد	زن
۱۳۴۵	۱۸/۹	۲۸/۴	۸/۸	۴۹/۶	۵۹/۷	۳۸/۷	۱۲/۳	۲۱/۵	۲۶/۶
۱۳۵۵	۳۳/۷	۴۶	۲۱	۶۰/۸	۷۰	۵۰/۲	۲۵/۴	۳۸/۱	۱۲/۵

تقریباً در دهه ۱۳۵۰ بود که نظام آموزشی کشور به سه مقطع دوره ابتدایی ۵ سال، دوره راهنمایی ۳ سال، دوره متوسطه ۴ سال تقسیم شد. سپس رشته اقتصاد و اجتماعی به مقطع دبیرستان اضافه شد. در سال ۱۳۵۰ به علت بهبود وضع حقوقی فرهنگیان، مردم شهرستان خواستار تأسیس شعبه دانشگاه فردوسی شدند. آنان توانستند دانشسرای دختران و انیستیتو تکنولوژی را در شهرستان تأسیس کنند. قابل ملاحظه است که نیروهای آمریکایی نیز در آموزش و پرورش به کار گرفته شده بودند. این معلمین آمریکایی در دبیرستان به تدریس زبان انگلیسی اشتغال داشتند (پایدار و پروان، ۱۳۸۴، ص ۲۷۶). با توجه به نتایج سرشماری مرکز آمار ایران، اندازه میزان باسوادی جمعیت ۶۳/۲ واحد درصدی در سال ۱۳۵۵ بوده است. با توجه به جدول ذیل تفاوت میزان باسوادی در زنان و مردان ۱۸ واحد درصدی در سال ۱۳۵۵ بوده است (مطالعات جمعیتی - اجتماعی شهر، طرح توسعه و عمران) (جامع) شهر بجنورد، ص ۷۸).

میزان باسوادی شهر بجنورد در سال ۱۳۵۵	
مرد و زن	۶۳/۲
مرد	۷۱/۵
	۵۳/۵

مأخذ: نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۵۵ مرکز آمار ایران

آنان در صدد جمع آوری اطلاعات و رسیدن به اهداف خود در منطقه بودند، که در نتیجه ضربات مهملکی بر سنت های اجتماعی و فرهنگی و دینی وارد آوردند (پایدار و پروان، ۱۳۸۴، صص ۲۷۵-۲۷۶). سازمان پیش آهنگی برای آشنا کردن دانش آموزان با میهن پرستی، شاه دوستی، سلطنت طلبی، حمایت از اصول انقلاب سفید تلاش می کرد. این دانش آموزان نسلی بودند که از حوادث

۱۳۴۲-۱۳۳۲ هیچ اطلاعی نداشتند، و به طور کلی از جریانات سیاسی به دور مانده بودند. آنان به تاریخ گذشته واقف نبودند و بدین سبب مانند مومی در دست نظام رضا شاهی در آمده بودند. دانش آموزانی که در واقع مردان آینده بودند، عکس العمل تندی در برابر مسائل سیاسی و اقتصادی و اجتماعی نداشتند، زیرا جامعه از حالت سیاسی خارج شده بود، اما ناکامی عوامل رژیم پهلوی در ایجاد تغییرات فرهنگی و فکری، یک دهه بعد خود را نشان داد. رژیم علی رغم صرف هزینه های گزاف در تبلیغ پهلویسم و باستان گرایی، باز هم نتوانست ریشه های مذهبی و عرق دینی را در مردم بخشکاند، و در نتیجه تعلیمات و آموزش رژیم نتیجه عکس داد. آنان از میان یازده هزار دانش آموز بنجوردی در سال ۱۳۴۹، تنها هزار نفر را تحت پوشش سازمان پیش آهنگان و آموزش های شاه دوستی قرار دادند. شرکت گسترده دانش آموزان در تظاهرات های روز های انقلاب، خود بیانگر ناکامی شاه در تغییر مبانی فکری و اعتقادی مردم با تبلیغات ارزش های غربی بود (پایدار و پروان، ۱۳۸۴، صص ۲۸۱-۲۸۲).

نتیجه گیری

با توجه به هدف پژوهش حاضر که به بررسی پیشگامان نظام نوین آموزشی در بنجورد از انقلاب مشروطه تا انقلاب اسلامی پرداخته است، سؤالات و فرضیاتی در ابتدای پژوهش مطرح گردید، که جهت اثبات فرضیات تحقیق، کتاب های معتبر و اسناد تاریخی و مصاحبه ها مورد بررسی و تحقیق قرار گرفت و نتایج زیر به دست آمد:

نخستین سؤال پژوهش حاضر این بود که اولین مدارس نوین آموزشی بنجورد در کدام دوره از تاریخ ایران و در چه سالی تأسیس شدند؟ فرضیه مطرح شده این است که: به نظر می رسد قبل از تأسیس مدارس نوین، مکتب خانه های مختلف و مدارس علمیه در شهرستان بنجورد وجود داشته است، و مدرسی نیز به سبک نوین به نام شجاعیه و همت فعالیت داشتند. با توجه به منابع و مآخذ مستند و معتبر این فرضیه قابل تأیید می باشد و آن را اینگونه می توان اثبات نمود، بنجورد یکی از پیشگام ترین شهرهای خراسان در ایجاد مدارس نوین به شمار می رود. در دوره قاجار تا قبل از تأسیس مدارس نوین، آموزش به شکل مکتب خانه ای بود. غالباً فرزندان افراد ثروتمند، مالکین، روحانیون و بازرگانان به تحصیل می پرداختند، برخی معلم سرخانه داشتند و بعضی در مکتب خانه ها مشغول به تحصیل بودند. مدارس علمیه نیز در کنار مکتب خانه ها وظیفه آموزش و پرورش را بر عهده داشتند، که در بنجورد مدرسه شیخ اندقان که متعلق به سده هفتم هجری بوده در روستای اندوقان وجود داشته است، و در سال ۱۲۶۵هـ/ق ۱۲۲۴خ مدرسه علمیه سلطانیه بنیان گذاشته شد، که با تأسیس مدرسه

علمیه جوانان متدین با حوزه های مشهد و نجف ارتباط پیدا کردند. اولین مدرسه نوین در بجنورد، مدرسه شجاعیه بود که در سال ۱۲۸۶ ش (۱۳۲۵ ق/ ۱۹۰۷ م) توسط یکی از رؤسای بجنورد به نام سردار منتصر حبیب الله خان شجاع الممالک تأسیس شد، که برای آموزش اطفال یتیم و مساکین بنا شده بود. در سال ۱۲۷۴ خورشیدی/ ۱۳۱۵ ق ایام حکومت یارمحمدخان شادلو (حاکم بجنورد) اولین اقدامات برای آموزش علوم جدید صورت گرفت. او برای فرزندانش و اقوامش مدرسه ای به شیوه جدید دایر کرد. در سال ۱۲۸۵ خورشیدی سردار معزز منزلش را به مدرسه ای به سبک جدید اختصاص داد، که این مکان به نام مدرسه همت نام گذاری شد. اولین مدرسه ملی به نام همت با همت تعدادی از بزرگان فرهنگ دوست بجنورد آغاز به کار نمود. این مدارس نوین آموزشی در اواخر دوره قاجار در زمان سلطنت ناصرالدین شاه تأسیس شدند. سؤال دوم پژوهش حاضر این بود که، پیشگامان مدارس نوین در بجنورد چه کسانی بودند؟ فرضیه ای که مطرح شده این است که، به نظر می رسد پیشگامان مدارس نوین در بجنورد پنج نفر به نام های سردار معزز، دکتر اسمعیل خان، میرزا وحدت، غلامحسین و حاج محمد حسین و داد بجنوردی بودند. با توجه به منابع و مآخذ مستند و معتبر این فرضیه قابل تأیید می باشد و آن را اینگونه می توان اثبات نمود، سردار معزز جزء اولین کسانی بود که در بجنورد در سال ۱۲۷۴ هـ ش در راه اندازی آموزش های جدید اقدام نمود. در سال ۱۲۸۵ با همت او و تعدادی از رجال معارف پرور بجنورد از جمله دکتر اسمعیل خان نیر الحکما (سامی) از اطبای بجنورد علاوه بر این که از بانیان مدرسه همت بوده، به تدریس نیز اشتغال داشته است. محمد حسین و داد بجنوردی اولین نماینده منتخب مردم بجنورد در مجلس شورای اسلامی نیز از مؤسسين مدرسه همت بوده است، که حدود ۵۰ سال به تدریس در مدارس شهرستان بجنورد اشتغال داشت. میرزا محمد وحدت نیز در بنیان گذاری و جذب معلمان اولیه مدرسه همت نقش بسزایی داشته است، و در کار تدریس مدرسه سهیم بوده است. در میان مؤسسين دبستان همت باید از ولی الله دانش نیز نام برد. وی در حقیقت پدر فرهنگ بجنورد و یکی از برجسته ترین چهره های فرهنگی و معلمان دانشمند و مدرسان فقه و ادبیات و مقدمات عربی بجنورد به شمار می رفت. به طور کلی در نظام نوین، سیستم آموزشی قدیم که بر آموزش های دینی استوار بود، رو به زوال رفته و حوزه های دینی اهمیت سابق خود را از دست دادند. نظام آموزشی نوین در عصر پهلوی، منطبق بر مدل غربی ایجاد شد که در کنترل مستقیم وزارت آموزش و پرورش بود. بر مبنای همین سیاست، در سال های آخر سلطنت رضاشاه، شاهد افزایش شدید تعداد مدارس جدید در مقابل کاهش تعداد مدارس مذهبی و مکتب خانه ها هستیم. روزنامه ها

در سال ۱۳۰۶ خورشیدی از توجه دولت به احداث مدارس و استقبال مردم گزارش می دادند. هم چنین علاوه بر متداول شدن روش های جدید در تعلیم و تربیت و گسترش مدارس جدید به پیروی از کشورهای غربی، تأثیر خواست و اراده دولت در نظام آموزشی نوین و محتوای کتاب های درسی به منظور تقویت پایه های حکومت بود. با توجه به سیاست های فرهنگی حکومت پهلوی دوم و اعزام سربازان سپاه دانش به روستاها، تأسیس مدارس جدید رشد قابل توجهی پیدا می کند، و نسبت به حکومت های قبل، این رشد سریع محسوس است. سؤال سوم پژوهش این بود که، عکس العمل مکتب دار ها (نیروی سنتی) نسبت به تأسیس و توسعه آموزش و پرورش نوین در بجنورد چگونه بوده است؟ فرضیه ای که نوشته شده این است که، به نظر می رسد، مکتب دار ها به دلیل از دست دادن درآمد، با مدارس جدید مخالف بودند، و گاهی واکنش هایی نشان می دادند. این فرضیه نیز مورد تأیید است. تعدادی از معلمان مکاتب قدیم به دلایل مختلف از جمله: از رونق افتادن مکتب خانه هایشان و از دست دادن درآمد، با این مدارس مخالفت می کردند، و گاهی واکنش هایی نیز نشان می دادند.

کتابنامه:

الف: کتاب ها:

- ۱- آقاملایی، ایرج، (۱۳۸۹)، **تاریخ مشاهیر خراسان شمالی**، ویراستار محمدرضا قلی زاده، مشهد: مرنديز.
- ۲- آبراهامیان، پروانه، (۱۳۷۷)، **ایران بین دو انقلاب**، ترجمه احمد گل محمدی، محمدابراهیم فتاحی، تهران: نشر نی.
- ۳- اکبری، محمدعلی، (۱۳۸۲)، **دولت و فرهنگ در ایران (۱۳۵۷-۱۳۰۴)**، تهران: روزنامه ایران.
- ۴- بازخانه ای، علی، (۱۳۸۳)، **بجنورد: مرکز جاذبه خراسان شمالی**، مشهد: پژوهش توس.
- ۵- پهلوی، محمدرضا، (۱۳۷۳)، **پاسخ به تاریخ**، ترجمه حسین ابوترابیان، چاپ سوم، تهران: مترجم.
- ۶- پایدار، حسین، پروان، بیژن، (۱۳۸۴)، **انقلاب اسلامی در بجنورد**، تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ۷- دآلمانی، هانری رنه، (۱۳۷۸)، **از خراسان تا بختیاری**، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران: طاوس.
- ۸- سهام الدوله بجنوردی، یارمحمدخان، شادلو، خاور بی بی، (۱۳۷۴)، **سفرنامه های سهام الدوله بجنوردی**، به اهتمام قدرت روشنی زعفرانلو، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۹- سیدی زاده، احسان، عباسیان، علی اکبر، (۱۳۷۲)، **بجنورد گذرگاه شمالی خراسان (آثار و بناهای تاریخی و مذهبی شهرستان بجنورد)**، مشهد: اردشیر.
- ۱۰- سعادت، احمد، (۱۳۰۴)، **دستور سعادت، اول ابتدایی**، بمبئی: مطبعه سعادت.
- ۱۱- شادلو، یارمحمدخان، (۱۳۷۴)، **سفرنامه های سهام الدوله بجنوردی**، تصحیح قدرت الله روشنی زعفرانلو، چاپ اول، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۱۲- صادقی، سلیمان، (۱۳۷۳)، **جغرافیای شهرستان بجنورد**، مشهد: آستان قدس رضوی.
- ۱۳- صدیق، عیسی، (۱۳۵۵)، **دوره مختصر تاریخ فرهنگ ایران**، تهران: شرکت سهامی طبع کتاب.
- ۱۴- ظلی، منوچهر، (۱۳۵۰)، **شناسنامه شهرهای ایران بجنورد**، مشهد: انتشارات پروپاگاندا.
- ۱۵- عباسیان، علی اکبر، سیدی زاده، احسان، (۱۳۷۲)، **دانشوران بجنورد آشنایی با احوال و آثار یکصد و بیست تن از بزرگان علم و ادب و هنر شهرستان بجنورد**، ویراستار دکتر محمدتقوی، مشهد: انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد.
- ۱۶- عضدی، احمد، (۱۳۸۴)، **سفرنامه خائدر قراچورلو**، بجنورد: عضدی.

۱۷- قاسمی پویا، اقبال، (۱۳۷۷)، **مدارس جدید در دوران قاجاریه: بانیان و پیشروان**، ویراسته هاشم بناء پور، رضا پورجوادی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

۱۸- کریمیان، علی، (۱۳۹۹)، **جغرافیای تاریخی بجنورد (قلعه ها، نفوس و سیر تطور تقسیمات از ۱۲۹۴ ق. تا ۱۳۸۳ ش.)**، شیروان: شیلان.

۱۹- لمبتون، آ. ک. س، (۱۳۷۵)، **ایران در عصر قاجار**، مشهد: جاودان خرد.

۲۰- مستوفی، عبدالله، (۱۳۶۷)، **شرح زندگانی من: تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه**، ج ۱، تهران: زوار.

۲۱- متولی حقیقی، یوسف، (۱۳۸۴)، **تاریخچه آموزش و پرورش نوین خراسان از آغاز تا انقلاب اسلامی**، مشهد: مرنديز.

۲۲- متولی حقیقی، یوسف، (۱۳۸۷)، **خراسان شمالی، پژوهشی پیرامون تاریخ تحولات سیاسی خراسان شمالی از آغاز تا انقلاب اسلامی**، مشهد: آهنگ قلم.

۲۳- **مطالعات کالبدی شهر، طرح توسعه و عمران (جامع) شهر بجنورد.**

۲۴- **مطالعات جمعیتی - اجتماعی شهر، طرح توسعه و عمران (جامع) شهر بجنورد.**

۲۵- موزر، هنری، (۱۳۵۶)، **سفرنامه ترکستان و ایران**، ترجمه مترجم مخصوص ناصرالدین شاه، سحر.

۲۶- بیت، چارلز ادوارد، (۱۳۶۵)، **سفرنامه خراسان و سیستان**، ترجمه قدرت الله روشنی زعفرانلو، مهرداد رهبری، تهران: انتشارات یزدان.

پایان نامه ها:

۲۷- افشین فر، اعظم السادات، (۱۳۸۹)، **بررسی سیر توسعه آموزش و پرورش نوین در خراسان**

شمالی از دارالفنون تا ۱۳۸۰، به راهنمایی دکتر یوسف متولی حقیقی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد، نیمسال اول ۱۳۸۹، ص ۶۲-۶۱.

۲۸- غلام نژاد، مهری، (۱۳۸۷)، **تاریخ سیاسی و اجتماعی بجنورد در دوره قاجاریه و پهلوی اول**،

به راهنمایی دکتر رجبعلی وثوقی مطلق، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد، نیمسال اول ۱۳۸۷، ص ۸۹.

روزنامه ها:

۲۹- روزنامه آفتاب شرق، سال ۵، ۷۳، ۱۳۰۷/۹/۳، ص ۱.

۳۰- **روزنامه اطلاعات**، شماره ۱۱۰۲، سال چهارم، ۲۲ تیرماه ۱۳۰۹.

۳۱- روزنامه آفتاب شرق، سال چهاردهم، شماره ۱۱۵۷، یکشنبه ۲۳ بهمن ۱۳۱۷.

- ۳۲- روزنامه ایران، نمره ۹۶۲، هجدهم ربیع الثانی ۱۳۱۷، ص ۳.
- ۳۳- روزنامه شهامت، شماره ۲۹، ۱۳۱۸/۱۰/۶، ص ۱.
- ۳۴- روزنامه اطلاعات، شماره ۴۱۸۰، ۲۰ اردیبهشت/۱۳۱۹.
- ۳۵- روزنامه کوشش، شماره ۹۲، ۲ ذیحجه الحرام ۱۳۴۶ق، ص ۲.
- ۳۶- روزنامه مرد مبارز، سال ۱۷، ۱۵۲۰، چهارشنبه ۲۰ آذر ۱۳۴۶، ص ۳.
- ۳۷- روزنامه مرد مبارز، سال ۱۷، ۱۵۲۵، چهارشنبه ۲۹ آذر ۱۳۴۶، ص ۳.
- ۳۸- روزنامه مرد مبارز، سال ۱۸، شماره ۱۶۷۷، چهارشنبه ۳۰ مرداد ۱۳۴۷، ص ۳.
- ۳۹- روزنامه مرد مبارز، سال ۱۸، شماره ۱۶۸۰، دوشنبه ۴ شهریور ۱۳۴۷، ص ۳.
- ۴۰- روزنامه خراسان یومیه، سال ۲۰، شماره ۵۵۸۸، چهارشنبه ۱ آبان ۱۳۴۷، ص ۶.

مجلات:

- ۴۱- کریمیان، علی (۱۳۸۳)، **مدارس خراسان در سال ۱۳۳۷ هـ/ق/۱۲۹۸ ش گنجینه اسناد**، سال چهاردهم، دفتر چهارم، شماره ۵۶، زمستان ۸۳، ص ۱۶۱- ۱۶۰.
- ۴۲- موقر، مجید، **مجله مهر و سبب نگارش آن**، مهر، س ۱، ش ۱، خرداد ۱۳۱۲/می ۱۹۳۳، ص ۴-۳.
- ۴۳- نخشید، محمدرضا، **اصلاحات و سیاست های نوگرایی رضاشاه و تأثیر آن بر قدرت نفوذ روحانیون در ایران**، مجله دانشکده حقوق علوم سیاسی دانشگاه تهران، ش ۴۰، تابستان ۱۳۷۷، ص ۱۰۵.
- ۴۴- علوی، هدایت، (۱۳۲۴)، **اولین سالنامه دبستان فرخی بجنورد در سال تحصیلی ۴- ۱۳۲۳**، مشهد: انتشارات انجمن نشر سالنامه و شرکت چاپخانه خراسان.
- ۴۵- **مجله تمدن**، سال اول، ش ۲، فروردین ۱۳۱۰، ص ۲۶.

Pioneers of the New Educational System in Bojnourd: From the Constitutional Revolution to the Islamic Revolution

Mahin Sedghi Gharahcheshmeh, Rajabali Vosoughi Motlagh, Amir Akbari

Abstract

The institution of education is one of the most important pillars in the development of any civilization. In light of the new cultural and educational advancements in Iran, several prominent figures and elders took initiatives to establish modern schools. Education in Bojnourd has a history spanning more than a century. The purpose of this study is to examine the pioneers of the modern educational system in Bojnourd from the Constitutional Revolution to the Islamic Revolution (1285 AH to 1357 AH), employing a descriptive-analytical historical research method. Data collection was conducted through library and documentary research. The findings indicate that new schools, including the Shojaiyeh schools, were established in Bojnourd in a modern style by Sardar Muntaser Habibullah Khan Shoja al-Mamalek. The first school, named Hemmat, was established in 1285 AH through the efforts of educational figures such as Valiullah Danesh, Dr. Ismail Khan Nir-ul-Hikma (Sami), and Mohammad Hossein Vedad, and began its activities. After Shahrivar 1320, the number of schools in Bojnourd increased significantly. However, until 1973, education faced challenges, including a shortage of educational space and qualified staff. During the second Pahlavi period, the number of secondary schools expanded from 1971 onward, but the lack of adequate educational facilities remained a significant issue.

Keywords: Pioneers of the modern educational system; Bojnourd; Constitutional Revolution to Islamic Revolution; Qajar; Pahlavi I and Pahlavi II.